

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۲ شماره ۳۹ پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (صص ۱۰۶-۷۹)

دیپلماسی حقوق بشری و تأثیر آن بر سیاست خارجی: مطالعه موردی هند

۱- محمدرضا دهشیری

۲- محمد حسین نشاسته‌سازان

چکیده

دیپلماسی حقوق بشر متشکل از دو کلمه است، دیپلماسی، که ابزاری جهت کسب منافع ملی است و حقوق بشر. هندوستان به عنوان دومین کشور پرجمعیت و هفتمین اقتصاد دنیا، سابقه حقوق بشری ضعیفی دارد. سوال اصلی نوشتار این است که تأثیر دیپلماسی حقوق بشری بر سیاست خارجی این کشور چیست؟ پاسخ این سوال در قالب مفهوم دیپلماسی چندسطحی پی گرفته خواهد شد. دیپلماسی حقوق بشری باید در سه سطح ملی، منطقه و بین‌الملل، ظرفیت‌یابی و مورد مذاقه قرار گیرد چرا که همخوانی این سطوح وابستگی تامی با اجرای دیپلماسی حقوق بشری کنش‌مند دارد. در سطح ملی متغیرهای سستی و تاریخی آنان در قانون اساسی تجلی یافته است که ریشه‌های دیپلماسی حقوق بشری هند را تشکیل می‌دهند، در سطح منطقه همسایگان، سازمان‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیک به متغیرهای اثرگذار اضافه می‌شوند، هند در پی گسترش شرکا، بسط نفوذ، وابستگی اقتصادی و تنش‌زدایی در منطقه است. در سطح بین‌الملل ساختار رفتار خاصی با رویکرد عملگرایانه را به هند تحمیل می‌کند. هند علاوه بر تبادل با غرب با تأکید بر روابط اقتصادی تلاش در تلطیف مواضع غرب دارد ولی از طرفی مواضع آن توسط شرکای آن در بریکس تعدیل می‌شود. هند تلاش می‌کند در نهادهای هنجارساز و بین‌المللی حضور فعال داشته باشد ولی نهایتاً رویکرد حقوق بشری آن بیشتر پرستیژی و عملگرایانه است تا هنجاری. این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی نگاشته شده است.

کلید واژه‌ها: دیپلماسی حقوق بشری، هند، دیپلماسی چندجانبه، ایبسا(هند، برزیل و آفریقای جنوبی)، دیپلماسی چندسطحی

۱- دانشیار رشته روابط بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل (نویسنده مسئول) Email: M.dehshiri@sir.ac.ir

۲- کارشناس ارشد رشته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲۸

۱- مقدمه

دیپلماسی حقوق بشر متشکل از دو کلمه است یکی دیپلماسی که ابزاری است جهت تلاش برای کسب منافع ملی، «دیپلماسی صفت ذاتی فعالیت‌های سیاسی است، مبتکرانه، ماهرانه و جزء مهمی از قدرت است. هدف اصلی دیپلماسی توانمندسازی دولت‌ها برای تأمین خواسته‌های سیاست خارجی آن‌ها بدون توسل به زور، پروپاگاندا یا حقوق است» (Berridge, 2015: 1). دیپلماسی به معنای تأمین منافع ملی از طریق ارتباط با دیگر دولت‌ها از طرق صلح‌آمیز است. همه تلاش دیپلماسی تأمین و سازش منافع بدون توسل به زور است. واژه دوم حقوق بشر. در یک فضای بی‌طرف بین‌المللی شاید بتوان دیپلماسی حقوق بشر را تلاشی برای گسترش و حفاظت از حقوق بشر دانست اما منافع دولت‌ها می‌تواند این مسیر را منحرف کند شاید هم تعاریف و نگرش‌های مختلف به خود مفهوم حقوق بشر. مولرسون دیپلماسی حقوق بشر را این‌گونه تعریف می‌کند: استفاده از ابزارهای سیاست خارجی برای ترویج حقوق بشر، همچنین استفاده از حقوق بشر برای دست یازیدن به دیگر اهداف سیاست خارجی. (Mullerson, 2014: 2). می‌توان اولین نشانه‌های استفاده از دیپلماسی حقوق بشر در عرصه دیپلماسی را در رقابت دو بلوک شرق و غرب در دوران جنگ سرد دانست. ملزومات سیاست خارجی حقوق بشری در این دوره با توجه به شرایط، وابستگی تامی با دیگر موضوعات سیاست خارجی از جمله اقتصاد و سیاست دارد. به دلیل وابستگی کم اقتصادی شوروی به آمریکا تأثیرگذاری فشار اقتصادی بر شوروی کم بود در نتیجه بلوک غرب مخصوصاً آمریکا تلاش کرد قراردادهای با قید کامله‌الوداد با شوروی و دول وابسته به آن امضا کند و از طرف دیگر از فناوری‌های جدید خود برای ترویج حقوق بشر استفاده نماید. برای مثال در سال ۱۹۷۳ رئیس‌جمهور نیکسون یک موافقت‌نامه تجاری جامع را بین آمریکا با قید کامله‌الوداد به دول کمونیست پیشنهاد کرد تا راهی برای نزدیکی به شوروی پیدا کند (Mulillerson, 2014: 105). همچنین سناتور «هنری جکسون» و نماینده مجلس نمایندگان «چالز ونیک» یک اصلاحیه قانونی پیشنهاد کردند که استفاده از منافع قراردادهای کامله‌الوداد به شوروی را تا زمانی که مهاجرت یهودی‌ها را محدود می‌کرد متوقف کند (Cooper, 2012: 2). به نظر می‌رسد غرب لیبرالیزه کردن سیاست‌های مهاجرتی شوروی را دنبال می‌کرده است. شوروی در برابر فشارهای آمریکا با اعطای ۴۵ هزار ویزا برای یهودیان در سال موافقت کرد ولی جکسون گام را فراتر نهاد و خواستار صد هزار ویزا شد آن هم نه صرفاً برای یهودیان بلکه برای ملیت‌های بالکان، باپتیست‌ها و دیگر گروه‌ها.

این فشارها و سیاست‌های آمریکا برای تغییر سیاست حقوق بشر شوروی در «موافقت‌نامه نهایی هلسینکی» سال ۱۹۷۵ دوباره خود را نشان داد (Mulillerson, 2014: 106). در این مقاله به بررسی نقش دیپلماسی حقوق بشری بر سیاست خارجی هند پرداخته شده است. در نوشتار حاضر بر مبنای تحلیل چندسطحی دیپلماسی در سه سطح ملی، منطقه و بین‌المللی اقدامات هند را بررسی می‌شود. بر مبنای تحلیلی چندسطحی برای کسب یک دیپلماسی موفق بایستی سه سطح تحلیل در همسویی با یکدیگر قرار گیرند و موید یکدیگر باشند تا نتیجه مطلوب کسب گردد.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

یکی از حوزه‌هایی که در سیاست بین‌الملل قدرت‌های نوظهور باید با آن دست و پنجه نرم کنند مباحث حقوق بشری است که نیازمند گفت‌وگو، برنامه و سیاست‌گذاری است. در این مقاله ما در پی یافتن تاثیر دیپلماسی حقوق بشر در سیاست خارجی هند هستیم. این پژوهش در سه سطح بررسی شده است. ابتدا سطح ملی که در آن سنت‌ها، تاریخ، فرهنگ و رویکردهای سیاسی-حزبی تعیین‌کننده هستند و مهمترین سند قانون اساسی این کشور است. سطح دوم سطح منطقه‌ای است. در این سطح ما با اضافه کردن متغیر ژئوپلتیک و نقش دیگر دول منطقه‌ای ظرفیت‌ها و اقدامات هند را بررسی می‌کنیم و نهایتاً در سطح بین‌المللی شاهد ورود نقش سیستم نظام بین‌الملل و سوق دادن هند به اتخاذ مواضع پراگماتیک هستیم. دیپلماسی حقوق بشری و تاریخچه آن را بررسی کرده و با بررسی و تطبیق عملکرد هند نهایتاً نقاط قوت و ضعف آن را استخراج می‌کنیم. این روند پژوهش برای کشور ایران نیز می‌تواند مفید باشد چرا که در حوزه‌های نوین دیپلماسی تجربیات کشورهای که قدم‌هایی در این زمینه برداشته‌اند حتماً موثر خواهد بود.

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

در این پژوهش دیپلماسی و سیاست‌گذاری هند به عنوان قدرتی نوظهور در عرصه روابط بین‌الملل بررسی می‌گردد. در عصر جدید با توجه به تکثر موضوعات و نهادهای موثر در دیپلماسی به نظر می‌رسد تخصص‌گرایی در امور دیپلماسی ضروری است. با توجه به نوپا بودن این موضوعات در ادبیات پژوهشی بین‌الملل، مطالعه موردی کشورهای که در این زمینه‌ها کار کرده‌اند به ما کمک خواهد کرد تا بر اساس تجربه نقاط ضعف و قوت آن‌ها دیپلماسی حقوق بشری با ثبات‌تر، کم‌اشتباه‌تر و مترقی‌تری را در پیش بگیریم.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق توصیفی-تحلیلی است. ابتدا به شرح داده‌های گردآوری شده پرداخته می‌شود و سپس با تحلیل آن‌ها به بررسی فرضیه مورد نظر می‌پردازیم. از آنجا که تحقیقات علوم انسانی به صورت نظری انجام می‌شود، گردآوری داده‌ها از طریق، کتاب‌ها، مقالات، سایت‌های تخصصی و در صورت نیاز، خبرگزاری‌ها انجام خواهد گرفت.

۱-۴- پیشینه تحقیق

- مولرسون، رین (۲۰۱۴): «دیپلماسی حقوق بشر»، انتشارات راتلج. در این کتاب نگارنده به بررسی نقش حقوق بشر در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی پرداخته است. تأکید او بر ابزارها و معیارهایی است که قابلیت پذیرش توسط اکثریت دولت‌ها را دارند برخی وجهه ملی و برخی بین‌المللی دارند. سپس با تأکید بر اهمیت حقوق بشر در ایجاد ثبات داخلی کشورها در گام اول و سپس کمک به ثبات بین‌المللی است. رویکرد کلی کتاب کمی پیچیده است. نگارنده از یک طرف دغدغه ترویج و محافظت از حقوق بشر دارد و از طرف دیگر منافع ملی برای وی در اولویت بالایی است. پس از تعریف حقوق بشر نویسنده به تحلیل رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در دوران جنگ سرد علیه شوروی در حوزه حقوق بشر می‌پردازد و اینکه چگونه ایالات متحده از این مقوله در پی تغییر رفتار و سیاست‌گذاری‌های شوروی برآمد.

- فورسایت، دیوید (۲۰۱۲): «حقوق بشر در روابط بین‌الملل»، ویراست سوم، انتشارات دانشگاه کمبریج. این کتاب درباره تکامل و وضعیت حقوق بشر در روابط بین‌الملل از اول قرن بیست و یکم است. نگارنده قصد دارد با تأکید بر آموزه‌های لیبرال در روابط بین‌الملل یک نسخه برای جامعه خوب تجویز نماید. نگارنده در مقدمه سعی می‌کند ابتدا موضع خود از لیبرالیزه کردن روابط بین‌الملل در حوزه حقوق بشر را مشخص کند او معتقد است «در این کتاب لیبرالیسم معادل توجه به حقوق شخصی است» (Forsythe, 2012: 3). او معتقد است پس از جنگ دوم جهانی ناگهان توسعه در عرصه حقوق بشر خود را بیش از پیش نشان داد. از اعلامیه جهانی حقوق بشر تا میثاقین در سال ۱۹۶۶ و سپس دادگاه‌های بین‌المللی مانند دادگاه کیفری برای یوگوسلاوی سابق و رواندا. او سپس با اشاره به طرح مسئولیت حمایت معتقد است حقوق بشر توان و ظرفیت این را دارد که بیش از پیش از ید حاکمیت دولت‌های خارج گردد و موضوعی بین‌المللی گردد.

- افلاهرتی، مایکل، کیدزیا، ژیسلاو، مولر، آمری و اولریچ، جورج (۲۰۱۱): «دیپلماسی حقوق بشر: چشم‌اندازهای معاصر»، ویراستاران: افلاهرتی، مایکل و هریس، دیوید، انتشارات ماترینوس نیژوف. این کتاب مجموعه‌ای از مقالاتی است که در زمینه دیپلماسی حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ نوشته شده است. این کتاب به نقش و عملکرد نهادها، سازمان‌ها به خصوص سازمان ملل متحد، کنفرانس‌ها و در پایان به نقش سمن‌ها، جوامع مدنی و نهادهای ملی حقوق بشری می‌پردازد.

۱- حقوق بشر و قانون اساسی جمهوری هند

۲-۱- تاریخچه

جمهوری هند هفتمین کشور بزرگ دنیا و دومین کشور پرجمعیت جهان، حدود ۱,۳ میلیارد شهروند دارد. در سال ۲۰۱۵ اقتصاد هند هفتمین اقتصاد بزرگ دنیا بر اساس تولید ناخالص داخلی شد (URL1). هندوستان جمهوری پارلمانی و چند حزبی است. احزاب ملی و دست راستی اصلی هند «کنگره ملی هندی» (Indian National Congress) و «بهاراتیا جاناتا» (Bharatiya Janata Party (BJP)) هستند در مقابل احزاب چپ کمونیست و دیگر احزاب لیبرال سکولار نیز وجود دارند. در سال ۲۰۰۹ «ائتلاف متحد پیشرو هندوستان» (The United Progressive Alliance (UPA)) قدرت را در دست گرفت ولی در سال ۲۰۱۴ حزب بهاراتیا جاناتا (جناح محافظه‌کار) بدون ائتلاف با هیچ حزبی به قدرت بازگشت. با فروپاشی شوروی تفکر لیبرال دموکراسی به عنوان تفکر غالب درآمد و مبانی نظری زیادی مطرح شد. این ایده‌ها در کشورهای در حال توسعه باعث نگرانی شد و آن‌ها که اکثراً سالیان طولانی قربانی استعمار غرب بودند در واکنش به این فضا بر حاکمیت تأکید کردند. در حالی که غربی‌ها بر ترویج دموکراسی، حقوق بشر، ملت‌سازی، کمرنگ شدن مرزها و تغییر گونه‌های تهدید تأکید می‌کردند دول در حال توسعه از جمله هند نگران تهدید علیه تمامیت ارضی و موجودیت خود بودند و بیشتر بر حوزه اقتصادی تأکید می‌کردند. با فروپاشی شوروی، هند تنها متحد خود میان قدرت‌های بزرگ را از دست داد. در نتیجه هند با مدیریت چنددستگی‌های سیاسی در داخل نسبت به توسعه و فشارهای کشورهای غربی تصمیم به بازسازی داخلی و روابط خارجی خود مخصوصاً با غرب و آمریکا گرفت. (حل و فصل اختلاف با آمریکا مخصوصاً در قبال سیاست‌های هند در قبال کشمیر) (Mohan, 2015: 20). با آغاز هزاره سوم و سال ۲۰۰۰ هند که در حوزه حقوق بشر و حاکمیت وضعیت باثبات خویش را در نبود اتحاد جماهیر شوروی بازیافته

بود نسبت به دهه اول پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر، دیپلماسی حقوق بشری تهاجمی تری در پیش گرفت. البته این رویکرد تهاجمی به معنای کاهش ظن به نظام بین‌الملل نبود و بدگمانی هند نسبت به گسترش صلاحیت نهادها و رژیم‌های حقوق بشری پس از سال ۲۰۰۰ میلادی ادامه داشت و هند با هرگونه تضعیف حاکمیت ملی به بهانه‌هایی چون حقوق بشر و محیط زیست به مخالفت برخاست. پس از سال ۲۰۰۰ هند از انتقاد به وضعیت حقوق بشری کشورهای دیگر خودداری می‌کند. در این برهه هند دو سکوت بزرگ دارد، یکی در رابطه با حمله آمریکا به عراق و دوم رشد خشونت بنیادگرایانه علیه مردم در پاکستان. در مورد پاکستان علی‌رغم دشمنی سیاسی دو کشور هند سکوت اختیار کرد. سازمان‌های شبه نظامی افراطی پاکستانی، شیعیان را که تقریباً یک پنجم جمعیت پاکستان هستند را مهدورالدم اعلام کرده و به دلیل عقایدشان کمر به قتل آنان بستند. دولت پاکستان اقداماتی علیه نظامیان ضدشیعه انجام داد ولی این اقدامات به دلیل وسعت خشونت و محدودیت‌های نیروهای نظامی پاکستان عقیم ماند. این تجاوزات یک طرفه علیه دیگر گروه‌های اقلیت در پاکستان نیز اتفاق افتاد (Banerjee, 2015: 28). سکوت هند در برابر آمریکا را به دلیل قدرت تهاجمی و نفوذ بین‌المللی آمریکا می‌توان تعبیر کرد، مخصوصاً پس از قضایای یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، هند برخلاف مواضع همیشگی خود یعنی عدم مداخله و اصالت حاکمیت ملی، درکنار آمریکا ایستاد و عمل او را در قالب دفاع مشروع توجیه کرد، ولی سکوت هند در برابر پاکستان را شاید بتوان یک مصلحت‌اندیشی سیاسی با هدف القای احترام به حاکمیت ملی، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و تنش‌زدایی میان دو کشور در آن زمان تلقی نمود. در این برهه هند و پاکستان مشکل دیگری نیز باهم داشتند که دارای ابعاد بین‌المللی و حقوق بشری بود و آن موضوع تروریسم بود. پیش از حادثه یازدهم سپتامبر هند تلاش می‌کرد با دیپلماسی فعال و کمپین‌های مختلف پاکستان و نیروهای تروریستی پاکستانی که در مرزهای هند به جنایت دست می‌زدند را تحت فشار قرار دهد تا اینکه حادثه یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ به وقوع پیوست. پس از یازدهم سپتامبر هند قویاً از آمریکا در راستای بسط رژیم ضد تروریسم بین‌المللی حمایت کرد. حتی در رابطه با افغانستان، هند از آمریکا نیز فعال‌تر عمل کرد. «ایالات متحده طالبان را جزو گروه‌های تروریستی اعلام کرد ولی علیرغم تلاش‌های هند آمریکا از تأیید ارتباط میان طالبان و دولت پاکستان یا «سازمان اطلاعات نظامی پاکستان» (Inter-Services Intelligence (ISI)) خودداری کرد» (Banerjee, 2015: 28). در این دوران شاهد به قدرت رسیدن مانموهان سینگ هستیم، وزیر

دارایی دهه نود میلادی هندوستان که رشد و جایگاه اقتصادی امروز هند را حاصل تلاش‌ها و اصلاحات اقتصادی آن روزگاران او می‌دانند. سینگ معتقد بود شناسایی هند به عنوان یک جامعه باز و اقتصاد آزاد می‌تواند ارتباط این کشور را بر اساس ارزش‌هایی چون دموکراسی، لیبرالیسم، پلورالیسم و سکولاریسم تقویت نماید (Baru, 2008: 3). در این دوران شکل‌های مدنی سکولار لیبرال قوت گرفتند تا اینکه در سال ۲۰۱۴ جناح دست راست هندوستان با رویکردهای ایدئولوژیک و ملی به قدرت رسید. در دوران نخست‌وزیری «نارندرا مودی» (Narendra Modi) مفاهیم توسعه و ملی‌گرایی هندی (Hindutva) در اولویت نظام ایدئولوژیک حاکم قرار گرفت. در این دوران ملی‌گرایی اکثریت هندو و توسعه‌گرایی با ابتدا بر تفکر نئولیبرال شاکله اصل سیاست خارجی مودی را تشکیل می‌دهند (Nagaraj, 2015: 73).

۲-۲- بررسی ماهوی حقوق بشر در اسناد ملی

قانون اساسی هندوستان در ۲۶ نوامبر ۱۹۴۹ به تصویب مجلس مؤسسان هند رسیده و از ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰ لازم‌الاجرا شده است. قانون اساسی هند در مقدمه این‌گونه آغاز می‌کند «ما مردم هندوستان، رسماً اعلام می‌داریم که هندوستانی با حاکمیت سوسیالیست سکولار دموکراتیک و جمهوری ایجاد می‌نماییم، تا برای شهروندان عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛ آزادی اندیشه، بیان، عقیده، ایمان و عبادت؛ برابری وضعیت اجتماعی و فرصت را تأمین کند؛ همچنین بین شهروندان برادری و کرامت، اتحاد و یکپارچگی ملی را تضمین کند» (URL2). پس از این مقدمه بخش سوم قانون اساسی هند یعنی مواد ۱۲ تا ۳۵ به بررسی حقوق اساسی شهروندان می‌پردازد. قانون اساسی در ماده ۱۳ بند دوم اشعار می‌دارد «دولت نباید قانونی ایجاد کند که حقوق مصرح در این بخش را نادیده گرفته یا محدود کند». حقوق بنیادین مصرح در بخش سوم قانون اساسی از ماده ۱۴ حق برابری (Right to Equality) آغاز می‌شود. ماده ۱۴ می‌گوید «دولت نباید برابری هیچ شخصی در برابر قانون یا پاسداری مساوی قانون از او را در سرزمین هند انکار کند». پس از آن در ماده ۱۵ تبعیض مذهبی، نژادی، کاستی، جنسیتی و بر اساس محل تولد را رد می‌کند. ماده ۱۵ به دلیل نظام کاستی سنتی هند به دقت نگارش شده است و جزئیاتی را برجسته کرده که شاید از نگاه بسیاری از جوامع غیرضروری به نظر برسد، اما با توجه به زمینه‌های فرهنگی این کشور هیات مؤسسان قانون اساسی هند آن را به دقت تشریح کرده‌اند. ماده ۱۵ در بند دوم اظهار می‌نماید: «هیچ

شهروندی نباید به دلیل مذهب، نژاد، کاست، جنسیت، محل تولد تحت محدودیت یا شرایطی در خصوص موارد زیر واقع گردد:

الف: دسترسی به فروشگاه‌ها، رستوران‌های عمومی، هتل‌ها و مکان‌های تفریحی عمومی؛

ب: استفاده از چاه‌ها، تانکرها، حمام‌های عمومی (Bathing Ghats)، جاده‌ها یا مکان‌هایی که کلاً یا جزئاً برای استفاده عمومی اهدا شده‌اند. ماده ۱۶ به برابری فرصت‌ها اشاره می‌کند، در موارد عدم تبعیض در این ماده علاوه بر موارد مصرح در ماده ۱۵ نسل و محل زندگی را هم اضافه کرده است. به نظر می‌رسد نسل و محل زندگی نیز علاوه بر شرایط پیشین بر استخدام در مناصب دولتی موثر بوده است و موسسان قصد الغای آن را داشتند. ماده ۱۷ دوباره به سنتی نهادینه در هند اشاره می‌کند که ریشه در فرهنگ کاستی هندوستان دارد و آن لمس ناپذیری (نجاست Untouchability): دالیت‌ها یا نجس‌ها به عنوان آلوده کننده مردمان کاست‌های بالاتر در نظر گرفته می‌شوند) است که قانون اساسی بطلان آن را اعلام می‌دارد در ادامه ماده ۱۸ عناوین را نیز ملغی اعلام می‌کند مگر آن‌که توسط دولت اعطا شده باشند. از ماده ۱۹ تا ۲۲ به حق بر آزادی اختصاص دارد و در قالب آن به آزادی بیان، اجتماع صلح‌آمیز و غیرمسلحانه، ایجاد اصناف و اتحادیه‌ها، حق سکونت هر جای سرزمین هند، اشتغال به هر حرفه، شغل یا تجارت مشروع، اصل براعت، حق آموزش رایگان و ... اشاره می‌نماید. ماده ۲۳ و ۲۴ بر روی منع بهره‌کشی از افراد و کودکان زیر ۱۴ سال تمرکز کرده است. ماده ۲۵ تا ۲۸ باب آزادی مذهب را باز می‌نماید. در ابتدای ماده ۲۵ آزادی مذهب را به نظم عمومی، اخلاق، سلامت و مفاد این بخش از قانون اساسی مقید می‌کند. از ماده ۲۹ تمرکز قانونگذار بر حقوق فرهنگی و آموزشی قرار دارد، قانون اساسی هند با سکولار دانستن نظام آموزشی، آموزش دینی در مدارس را منع می‌کند ولی اجازه حفظ زبان و فرهنگ اقلیت‌ها را به رسمیت می‌شناسد. مشکل اصلی در هندوستان نهادینه نبودن ارزش‌های حقوق بشری در بخش اعظم این کشور است. نهادینه نشدن این ارزش‌ها در حالی است که مدت زیادی از تصویب قانون اساسی این کشور می‌گذرد ولی هنوز علیرغم تأکیدهای زیاد قانون اساسی بر حقوق دالیت‌ها آن‌ها هنوز به شدت تحت ظلم هستند و اجرای مبانی حقوق بشری بر آن‌ها با مشکل جدی روبه‌رو است. هند به دلیل وضعیت خاص داخلی و تفکرات افراطی و سنتی موجود پس از استقلال تلاش‌های زیادی در جهت تعدیل این وضعیت کرده است. مانند قانون‌گذاری به نفع دالیت‌ها، به گونه‌ای که نتیجه سیاست‌های هند در برهه ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ پرجمعیت‌ترین ایالت هندوستان به دست احزاب دالیت و

حزب «باهوجان ساماج» (Bahujan Samaj party) افتاد. در زمینه حقوق زنان و مخالفت با عروس سوزی نیز قوانینی تصویب شد که با موفقیت‌های چشم‌گیری همراه نبوده است. در سال ۲۰۱۳ بیش از ۲۰۰ هزار نفر به جرم آزار یا کشتن عروس دستگیر شدند که ۱۶ درصد آن‌ها با محکومیت قطعی مواجه شدند (URL3). البته ضعف دادرسی در هند باعث شده که آمارهای عروس سوزی در هند (حدود ۸ هزار نفر) همچنان باقی بماند. مهم‌ترین معاهداتی که هندوستان در سطح بین‌المللی به آنها پیوسته و بر اساس قانون اساسی خود را ملزم به اجرای آن‌ها می‌داند عبارتند از: «میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی»، «میثاق حقوق مدنی و سیاسی»، «کنوانسیون حقوق کودک»، «کنوانسیون حذف هرگونه تبعیض علیه زنان»، همچنین هند امضا کننده معاهداتی از قبیل «کنوانسیون علیه شکنجه» نیز هست (درحالی که پروتکل آن‌ها مخصوصا اجازه شکایات شخصی به کمیته‌ها و بازرسی بین‌المللی توسط کمیته‌ها را تایید نکرده است). (Mukherjee, 2015: 5)

۲-۳. ساختارهای حقوق بشری ملی

قانون اساسی هندوستان برای ترویج و حفاظت از حقوق بشر وظیفه ایجاد نهادها را برعهده دولت هند گذاشته است و در قانون اساسی ساختاری را تبیین نکرده است. در حال حاضر این نهادها عبارت هستند از: الف: کمیسیون ملی حقوق بشر (National Human Rights Commission): این نهاد در حوزه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صلاحیت دارد. این کمیسیون در اکتبر سال ۱۹۹۳ به موجب قانون حفاظت از حقوق بشر ایجاد گردید، وظایف این نهاد عبارت هستند از: تحقیق و بررسی شکایات، مداخله در سوابق نقض حقوق بشر در برابر دادگاه، دیدار از زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، بازبینی قوانین از نگاه حقوق بشری، مطالعه معاهدات و دیگر نهادهای حقوق بشری بین‌المللی، ترویج و انجام تحقیق در زمینه حقوق بشر، افزایش آگاهی حقوق بشری، ترغیب سمن‌ها برای فعالیت در حوزه حقوق بشر و در پایان انجام دیگر کارهایی اینچنینی که برای ترویج حقوق بشر لازم به نظر می‌رسند (URL4). ب: کمیسیون ملی برای زنان (National Commission for Women): این کمیسیون در سال ۱۹۹۲ و تحت قانون کمیسیون ملی برای زنان در سال ۱۹۹۰ ایجاد گردید. وظایف این نهاد عبارت است از: بازبینی قانون اساسی و قوانین عادی در حوزه حفاظت از زنان، توصیه اقدامات قانونی حمایتی، تسهیل رسیدگی به شکایات و توصیه به دولت در تمام سیاست‌هایی که بر زنان تأثیر می‌گذارد (URL5). پ: کمیسیون ملی برای محافظت از حقوق کودک (National Commission for Protection of

Child Rights): این کمیسیون تحت قانون کمیسیون‌ها برای حفاظت از حقوق کودک در سال ۲۰۰۵ تشکیل گردید. این کمیسیون حقوق کودکان تا ۱۸ سال را پیگیری می‌کند. عملکردهای این کمیسیون عبارت هستند از: ارزیابی و بازبینی قوانین حفاظتی تحت قانون، ارائه گزارش‌های سالانه به دولت مرکزی، نظارت و بازرسی نقض حقوق کودک و توصیه اقداماتی برای پیگیری آن، ارزیابی عواملی که بهره‌مندی کودکان را از حقوق خود با مشکل مواجه می‌کند و... در واقع این کمیسیون مسئول نظارت، بررسی و ترویج حقوق کودکان در هند است (URL6). ت: کمیسیون ملی برای اقلیت‌ها (National Commission for Minorities): این کمیسیون به موجب قانون سال ۱۹۹۲ کمیسیون ملی برای اقلیت‌ها تشکیل یافت. این کمیسیون موظف است روند توسعه و ترقی اقلیت‌های تحت تابعیت دولت را ارزیابی کند، نظارت بر سازوکارهای حمایتی برای اقلیت‌ها را بررسی کند، توصیه برای اجرای موثر حفاظت از منافع اقلیت‌ها، نظارت بر شکایات ویژه از محرومیت اقلیت‌ها از حقوق خود و اعمال اقدامات مقتضی، مطالعه درباب مشکلاتی که از اقدامات تبعیض‌آمیز علیه اقلیت‌ها ناشی می‌گردد، مطالعه و تحلیل حول توسعه اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی اقلیت‌ها، توصیه اقدامات مناسب در حوزه اقلیت‌ها (URL7). ث: کمیسیون ملی برای طبقات اجتماعی عقب‌مانده (National Commission for Backward Classes): این کمیسیون در پی توصیه دادگاه عالی و توسط قانون مصوب دولت با نام قانون کمیسیون ملی برای طبقات اجتماعی عقب‌مانده در سال ۱۹۹۳ تشکیل شد. این قانون معتقد است که کمیسیون از پنج عضو تشکیل گردد یک رییس که رییس دیوان عالی یا یک دادگاه عالی باشد، جامعه شناس، دو فرد که دانش تخصصی در زمینه طبقات اجتماعی عقب‌مانده داشته باشند و در نهایت یک مقام از دولت مرکزی است (URL8). ج: کمیسیون ملی برای کاست‌های تحت حمایت (National Commission for Scheduled Castes): این کمیسیون متعاقب شصت و پنجمین لایحه قانون اساسی در سال ۱۹۹۰ پا به عرصه نهاد. در اصلاحیه هشتادونهم قانون اساسی دو کمیسیون ملی برای کاست‌های تحت حمایت و قبایل تحت حمایت ایجاد گردیدند. طبق ماده ۳۳۸ قانون اساسی هندوستان دو وظیفه اصلی بر دوش این کمیسیون قرار گرفته است (URL10). اول بازرسی و نظارت بر همه موضوعات مرتبط با حفاظت از کاست‌های تحت ظلم بر اساس قانون اساسی یا هر قانون لاحق دیگر، دوم پرس‌وجو حول شکایات‌های خاص در باب محرومیت این کاست‌ها از حقوق و قوانین محافظتی (URL10). چ: کمیسیون ملی برای قبایل تحت حمایت (National

Commission for Scheduled Tribes): با اصلاحیه ماده ۳۳۸ شکل گرفت و در سال ۲۰۰۴ تشکیل شد. وظایف و اختیارات این کمیسیون عبارت هستند از: نظارت و بررسی همه موضوعات مربوط به حفاظت از قبایل تحت قانون اساسی یا هر قانون مشروع دیگر، پرس و جو در باب شکایات مرتبط با محرومیت قبایل تحت ظلم از حقوق خود، توصیه و تلاش برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی این قبایل و ارزیابی آن، ارائه گزارش سالیانه به رییس‌جمهور، تدوین گزارش‌های توصیه‌ای برای حفاظت، رفاه و توسعه قبایل تحت ظلم و ارائه آن به رییس‌جمهور و مجلس (URL11).

۳- دیپلماسی حقوق بشری جمهوری هند در سطح منطقه‌ای

۳-۱. عملکردهای حقوق بشری در سطح منطقه‌ای

دیپلماسی حقوق بشری هند در سطح منطقه‌ای چهار وجه کلی دارد یکی چین و مرزهای شمالی دوم مرزهای غربی و پاکستان، سوم مناطق شرقی و چهارم گستره هندو-پاسفیک. رابطه هندوستان با چین بیشتر ابعاد امنیتی و اقتصادی دارد. هند سعی می‌کند با عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری‌های شانگهای خود را بیش از پیش با امنیت چین در منطقه گره بزند و منافع مشترک ایجاد کند در حوزه اقتصادی نیز هم از نظر تبادلات چین پس از ایالات متحده آمریکا دومین شریک تجاری هند است و هم در قالب بریکس سیاست‌های اقتصادی و بین‌المللی مشترکی را دنبال می‌کنند ولی بحث حقوق بشر مورد خاصی وجود ندارد، نه چین در این باب و امور داخلی کشورها دخالت می‌کند و نه هند در این زمینه منافع خود را با چین به خطر می‌اندازد. در واقع رابطه دو کشور در میان همکاری و تقابل در رفت و آمد است. از یک طرف چین و هند روابط پیچیده اقتصادی و امنیتی دارند و از طرف دیگر در حوزه شرق آسیا به دنبال نفوذ و گسترش زمینه‌های همکاری و بازارهای اقتصادی هستند (Naidu, 2015: 9). دو منطقه شمالی نپال و بوتان در نگاه هند بسیار مهم هستند. مودی نخست وزیر هند در سال ۲۰۱۵ دیداری از منطقه نپال داشت که در آن دیدار، خواهان اجماع هیات موسسان جهت تدوین قانون اساسی جدید برای نپال شد روندی که حدود یک دهه به عقب افتاده است. تدوین قانون اساسی جدید گامی مهم برای استحکام بخشیدن به توافق‌نامه صلح سال ۲۰۰۶ است. توافق‌نامه‌ای که پس از دوران شدید اختلافات و کشته شدن ۱۳ هزار نفر ایجاد شده بود. نقطه نظرات نخست وزیر هند با واکنش رسانه‌های نپال روبه رو شد ولی وزیر خارجه نپال «ماهندرا بهادر پانندی (Mahendra Bahadur Pandey)» گفت هیچ

فرمول و هیچ اعمال زوری از جانب هندوستان صورت نگرفته است (Ganguly, 2015: 43). هند از نظر اقتصادی دو کشور نپال و بوتان را تحت چتر حمایتی خود دارد. «بوتان و نپال نقش سپر میان هند و چین را بازی می‌کنند. سال ۲۰۱۴ هند ۲۱۳ میلیون دلار در بوتان (یعنی ۳۶ درصد کل کمک‌های خارجی هند) و ۴۹ میلیون دلار به نپال (۸ درصد کل کمک‌های خارجی هند) کمک مالی کرد» (Mashru, 2015: 85). سیاست خارجی هند در مناطق شرقی خود نیز با کشورهایی چون ویتنام و میانمار بر وابستگی بیشتر اقتصادی استوار است. از اینرو در عرصه حقوق بشر نسبت به آن‌ها تساهل داشته و با ابزار فشار اقتصادی خواسته‌های خود را عملی می‌کند. اعمال نفوذ حقوق بشری هند در دول کوچک منطقه بیشتر با هدف جلوگیری از عواقب امنیتی انجام می‌شود چرا که هم از اغتشاش و ضعف حکومت‌ها در منطقه هراس دارد و هم نمی‌خواهد بهانه به غربی‌ها بدهد تا در امور منطقه دخالت کنند. در مورد پاکستان علیرغم وجود حساسیت‌های زیاد سیاسی، هند در امور داخلی آن دخالت نمی‌کند و خود را به آن اصل ملزم می‌داند. از طرفی هند به دنبال افزایش رابطه تجاری خود با پاکستان و نزدیکی از طریق دیپلماسی چندجانبه است. بارزترین نمونه این روند عضویت هند و پاکستان در «سارک» (South Asian Association for Regional Cooperation) است. هند و پاکستان در سال ۲۰۰۴ موافقت‌نامه تجارت آزاد آسیای جنوبی را باهم امضا کردند. چهار کشور کمتر توسعه یافته منطقه یعنی نپال، بوتان، مالدیو و بنگلادش عضو این توافق‌نامه هستند. در این حوزه اندیشمندان معتقد هستند با برداشته شدن موانعی چون تعرفه، نظام ویزادهی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مسیرهای ترانزیتی پتانسیل تجارت دوجانبه بین هند و پاکستان به طور کلی به ۱۰,۹ میلیارد دلار خواهد رسید (Taneja, Pohit and Saini, 2015, 2-4). از این‌رو هند ترجیح می‌دهد منافع تجاری خود را به مخاطره نیندازد مگر موضوع تروریسم که علاوه بر ابعاد حقوق بشری امنیت هندوستان را نیز تهدید می‌کند، در صورتی که کاملاً درباب نقض حقوق اقلیت‌ها و شیعیان پاکستان موضعی منفعل پیشه کرده است. راهبردهای هند در منطقه هندوپاسفیک را پای و سینگ در چهار حوزه بیان می‌کنند:

۱. نمایش بین‌المللی: به این معنا است که بحث‌های غالب در هندوستان اصولاً داخلی است و ابعاد بین‌المللی با افزایش سرمایه‌گذاران، توریست‌ها، کارگران و غیره امروز در بین مردم اهمیت یافته است و برای مردم هند مهم است که صدای خود به عنوان بزرگترین دموکراسی جهان را به دیگران برسانند؛

۲. شبکه‌های اجتماعی: با گسترش موبایل و گردش اطلاعات بحث‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی تغییراتی کرده که بر دیپلماسی حقوق بشر هم تأثیر به‌سزایی دارد؛

۳. خویشاوندی: به معنای حضور گسترده گروه‌ها و دیاسپوراهای هندی در دیگر مناطق جهان است؛

۴. رهبری: نخست وزیر مودی با تلفیق محبوبیت داخلی و قدرت سیاسی می‌تواند نقش رهبری در منطقه را بازی کرده و به ترویج تحمل دیگری، پلورالیسم و حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات سوق دهد (Pai and Singh, 2015: 39-40).

سپس در پایان پنج محدودیت برای دیپلماسی حقوق بشر هند در منطقه هندو پاسفیک مطرح می‌کنند:

۱. تناقض نزدیکی (Paradox of Proximity): دلایل ساختاری در منطقه مداخله هند در امور همسایگان مجاور را محدود می‌کند. مثلاً همکاری هند با اقلیت‌ها در پاکستان، هند را با مشکلات زیاد و عدم توافق‌های زیادی در منطقه درگیر می‌کند یا مثلاً پناه دادن به تبعیدشدگان تبتی و افرادی چون دالای لاما (Dalai Lama) هند را در مقابل کشوری قدرتمند چون چین قرار خواهد داد؛

۲. توازن قوا: در حال حاضر برای برقراری توازن قوا در منطقه هند باید به سمت شرق آسیا نفوذ کند چراکه ردپای نفوذ چین در دول نزدیک شبه‌قاره به وضوح دیده می‌شود، وضعیتی که حکومت‌های سریلانکا، میانمار، مالدیو، نپال و حتی پاکستان را به امتیازگیری از هند واداشته است؛

۳. نظام بین‌الملل: نظام بین‌الملل عملکرد منطقه‌ای هند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مخصوصاً نهادهایی چون شورای حقوق بشر، دیوان کیفری بین‌المللی و طرح‌هایی چون مسئولیت حمایت. هند ترجیح می‌دهد در مسایلی که منافع آن مستقیماً درگیر نیست دخالت نکند و در سطح بین‌الملل برای خود هزینه‌زایی نکند؛

۴. ظرفیت‌ها: هند صرفاً در حدی می‌تواند دیپلماسی خود را در منطقه رسوخ دهد که ظرفیت‌های اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک این اجازه را به او بدهند؛

۵. هزینه-فایده سیاسی: سران و دولتمردان هند نمی‌توانند تصویر بین‌المللی که در حوزه حقوق بشر دارند را ملاک عمل قرار دهند چرا که عملکرد آن‌ها در داخل است که نتیجه انتخابات را رقم خواهد زد. در نتیجه دولتمردان از اقداماتی که مستقیماً در داخل موثر نیستند یا تأثیر منفی

دارند به شدت خودداری می‌کنند تا از اغتشاشات محتمل و نقدهای گروه‌های مختلف در امان باشند. (Pai and Singh, 2015: 39-40). مواردی که مطرح شد علاوه بر منطقه هندو پاسفیک قابل تسری به مناطقی فراتر از هندو پاسفیک نیز هستند، شاید بتوان گفت این ظرفیت‌ها، ابزارها و محدودیت‌ها بر کل دیپلماسی حقوق بشری هند سایه افکنده‌اند.

۳-۲. ساختارهای حقوق بشری در سطح منطقه‌ای

در بخش ساختارها، سازمان سارک را بررسی می‌کنیم. اتحادیه جنوب آسیایی برای همکاری منطقه‌ای یا سارک در ۱۹۸۵ با هدف گسترش همکاری منطقه‌ای بین هفت کشور بنگلادش، بوتان، هند، نپال، مالدیو، پاکستان و سریلانکا شکل گرفت. اما اختلافات سیاسی، اقتصادی و تاریخی همکاری‌های تجاری در قالب سارک را با مشکل مواجه کرده است. حتی نشست‌های سالانه این سازمان نیز با مشکل روبه‌رو است. علیرغم تأکید اساسنامه بر نشست‌های سالانه در برخی سال‌ها نشست‌ها برگزار نشده است. سارک تلاش می‌کند در حوزه حقوق بشر نیز نقش موثر بازی کند ولی کشورهای عضو با تأکید بر امنیت ملی و مشکل‌های اقتصادی از تعهدات حقوق بشری طفره می‌روند و خواستار تمرکز سازمان روی موضوعات توسعه‌ای و اقتصادی هستند. سارک عهدنامه‌های مختلفی را در حوزه‌های مواد مخدر، مبارزه با قاچاق زنان و کودکان برای فاحشه‌گری، رفاه کودکان، امنیت غذایی و مسایل اجتماعی ایجاد کرده است. با تلاش‌های جوامع مدنی جهت پیگیری و گزارش نقض‌های حقوق بشر ذی‌نفعان و دولت‌ها به فکر ایجاد نهادها و سازوکارهایی برای ترویج و حفاظت از حقوق بشر افتادند (Deuja, 2010: 4). اکثریت کشورهای عضو سارک باید پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی همچنین کنوانسیون امحای هرگونه خشونت علیه زنان را تصویب کنند تا به کمیته‌های اجازه رسیدگی به شکایات را بدهند. میان کشورهای سارک فقط مالدیو و نپال هر دو پروتکل را تصویب کرده‌اند. بوتان هنوز به میثاقین و کنوانسیون علیه شکنجه نیز نپیوسته است. یا در این میان فقط نپال رسماً کنوانسیون حقوق بومیان و اعضای قبایل (Indigenous and Tribal Peoples Convention) سازمان جهانی کار را تصویب کرده است. پاکستان میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در سال ۲۰۰۸ و سپس میثاق حقوق مدنی سیاسی را تصویب کرده است. در میان اعضای سارک فقط پاکستان و بوتان نهادهای ملی حقوق بشری ندارند. به نظر می‌رسد سارک از ضعف ساختاری و عملکردی در این زمینه رنج می‌برد. در ادامه عملکرد هند و سارک در زمینه قاچاق انسان را بررسی می‌کنیم تا قضیه روشن‌تر گردد. دول

عضو سارک منابع انسانی، تسهیلات فناورانه و تدارکاتی را برای ریشه‌کن کردن قاچاق فراهم می‌آورند. هند از مراکز اصلی قاچاق و انتقال انسان است. اعضای سارک در سال ۲۰۰۲ در کاتماندو کنوانسیون ممنوعیت و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان برای فاحشه‌گری را امضا کردند حوزه عملکرد این کنوانسیون همکاری اعضا برای جلوگیری از این پدیده شوم بود. در اکتبر سال ۲۰۰۴ هر هشت عضو سارک به اتفاق پنج اصل برای اقدام فوری را پذیرفتند که عبارت بود از: ۱. هدایت بهتر تحقیقات درباب تجاوز جنسی و بهره‌کشی از کودکان، ۲. تقویت اقدامات حمایتی با ایجاد برنامه‌های عملیاتی ملی در حوزه تجاوز جنسی، بهره‌کشی و قاچاق، ۳. توسعه بانک اطلاعاتی در مورد تجاوزات، بهره‌کشی‌ها و قاچاق کودکان با مشخصات سنی، جنسی و ملیت، ۴. کار با سمن‌ها، سازمان ملل متحد و نهادهای چندجانبه که می‌توانند در این عرصه موثر واقع گردند، ۵. کار با کودکان و جوانان جهت تأمین دیدگاه‌های آن‌ها در سیاست‌گذاری‌ها (Kumar, 2015: 22). در این راستا سارک کنوانسیون در باب جرایم قاچاق زنان و کودکان را اقدامی جنایی علیه دولت‌ها قلمداد کرد و از متعاهدین خواست تا امکانات لازم جهت مجازات هر شخصی که به این کار اقدام، مدیریت و حمایت مالی می‌کند، را انجام دهد. در ماده هشت کنوانسیون خواستار هرگونه اقدام برای ممنوعیت و جلوگیری از فضاهایی شد که به منابع قاچاق شناخته می‌شوند یا در جای دیگر از متعاهدین می‌خواهد که امکانات و شرایط اسکان قربانیان قاچاق انسان را فراهم آورند (URL12). در این راستا وزارت امور داخله (The Ministry of Home Affairs (MHA)) هندوستان اقدام به تأسیس واحد ضد قاچاق انسان (Anti-Human Trafficking Units (AHTUs)) کرد که الزام قانونی و تلاش جهت توانمندسازی را در دستور کار داشت. در این راستا واحد ضد قاچاق در سال ۲۰۱۱ به تمامی افسران پلیس اجازه بازرسی در حوزه قانون قاچاق انسان را داد. دفتر مرکزی بازرسی (Central Bureau of Investigation) در ژانویه ۲۰۱۲ یک واحد ضد قاچاق فدرال را تأسیس کرد که افسران آن قدرت بازرسی در سطح ملی را داشتند. دولت در این راستا با حمایت از این واحدها باعث شد در طی سه سال ۱۰۷ واحد ضد قاچاق انسان جدید تأسیس گردد و تعداد واحدها در سطح کشور به ۱۹۴ عدد برسد. همچنین وزارت توسعه زنان و کودکان (The Ministry of Women and Child Development (MWCD)) ۱۱۸ میلیون دلار بین سال‌ها ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ بودجه اختصاص داد تا ۱۵۷ طرح در هفده استان احداث گردد. این اقدامات تحت «طرح اوجاوالا (Ujjawala program)» برای اسکان و توانبخشی به زنان قربانی قاچاق جنسی سامان

یافتند و ۵۸ طرح جدید در راستای طرح «سوادار (Swadhar)» انجام گرفت. در راستای این طرح برای زنان قربانی خدماتی شامل پناهگاه موقت، خدمات درمانی، کمک‌های حقوقی در نظر گرفته شده بود (Kumar, 2015: 24). به نظر می‌رسد سارک نهادی است دولت‌محور که دولت‌های عضو و منافع آن‌ها شرایط را تعیین می‌کنند.

۴- دیپلماسی حقوق بشر جمهوری هند در سطح بین‌المللی

۴-۱- دیپلماسی حقوق بشری هند و اتحادیه اروپا

هند پس از دوران استعماری انگلستان در این کشور نزدیکی رابطه خود با اروپا را حفظ کرده است. حتی نام هندوستان در میان نخستین دولی است که با «اتحادیه اقتصادی اروپایی» (European Economic Community (EEC)) ارتباط دیپلماتیک برقرار کردند. پس از آن قراردادهای زیادی بین دو طرف امضا شد و این روابط گرم پس از جنگ سرد ادامه پیدا کرد. در حال حاضر سطح مبادلات از ۲۲٫۶ میلیارد یورو در ۲۰۰۶ به ۳۹٫۳ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۶ رسیده است، روندی که اتحادیه اروپا را به شریک اول تجاری هند بدل کرده است (ec.europa.eu). شرکت‌های هندی هم علاقه خاصی به سرمایه‌گذاری و کار با اتحادیه اروپا دارند. هند و اتحادیه اروپا یک برنامه «گفتگوی محلی حقوق بشری سالانه» (Annual (Local Human Rights Dialogue)) در سال ۲۰۰۴ را تشکیل دادند سپس در سال ۲۰۰۵ یک «برنامه اقدام مشترک» (Joint Plan of Action (JPA)) «برقرار نمود. در این عرصه هر دو طرف بر سه حوزه اصلی توافق کردند: ۱- «گفتگوی حقوق بشری در قالب دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه؛ ۲- مشاوره و بحث حول مواضع حقوق بشری و دموکراسی و بررسی فرصت‌ها برای حمایت مشترک از قطعنامه‌های مربوطه؛ ۳- دو طرف در پی همگرایی و ابتکارات جهت ترویج حقوق بشر و دموکراسی باشند. در سال ۲۰۱۲ گفتگو برای تعیین دستورکار به تعویق افتاد. در نشست هشتم درباره گفتگوهای حقوق بشری بین هند و اتحادیه اروپا در نوامبر ۲۰۱۳ برگزار گردید. تمرکز گفتگوها در سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ بر روی عدم تبعیض بر مبنای کاست و خشونت علیه زنان متمرکز است» (Sachdeva, 2015: 72). هندوستان اعتبارات حقوق بشری خود را از نهادهای اروپایی تأمین می‌کند ولی از طرف دیگر در محافل علمی و سیاسی نگاه بدبینانه، یادگار دوران استعمار هنوز وجود دارد و فشارهای حقوق بشری غرب در کشورهای در حال توسعه را شکل نوینی از همان روش‌های قدیمی استعماری تلقی می‌کند، در این راه وابستگی اقتصادی به دول اروپایی آزادی عمل هند در سیاست خارجی را محدود کرده از این رو این کشور به شدت در

پی تکرگرایی در شرکای تجاری و افزایش روابط با دول در حال توسعه است. برخی سیاست‌گذاران هندی، نقشی رو به زوال برای اتحادیه اروپا در راهبرد آینده هند در نظر دارند (Jaishankar, 2012). این تفکر دلایل متفاوتی دارد از جمله مواضع متفاوت در حوزه حاکمیت، محیط زیست، تغییر ساختار شورای امنیت به نفع دول در حال توسعه مسایلی است که رابطه دو طرف را با مشکل روبه رو خواهد کرد. «شاشی ثارور (Shashi Tharoor) وزیر خارجه سابق هند نقش اتحادیه اروپا در چالش‌های پیش‌روی این کشور را بدون ارزش افزوده می‌داند و معتقد است ارزش امنیتی اروپا برای هند در بحران‌های جنوب، مرکز، جنوب شرقی، غرب آسیا و رابطه با چین کم است (URL13 (Tharoor, 2012)). یا در جای دیگر اروپا را غول اقتصادی و بازیگری بی‌اهمیت در عرصه امنیت خطاب می‌کند (Britsch, 2014: 1).

۴-۲- کمک‌های توسعه‌ای هند و دیپلماسی حقوق بشر

کمک‌های توسعه‌ای از ظرفیت‌هایی است که اخیراً هند روی آن تأکید فراوان دارد. این کمک‌ها علاوه بر افزایش توان دیپلماتیک و تجاری هندوستان می‌توان وسیله‌ای برای بسط ارزش‌های حقوق بشری در دیگر کشورهای جنوب باشد ولی هند منافع ملی را از ترویج ارزش‌ها بیشتر مدنظر داشته و ترجیح می‌دهد در امور داخلی دیگر کشورهای در حال توسعه دخالت نکند. در نقطه مقابل کمک‌های توسعه‌ای انسان را یاد دیپلماسی دلار یا پس از آن طرح مارشال آمریکا می‌اندازد یا کمک‌های توسعه‌ای ژاپن که هدف اصلی آن‌ها به ترتیب وابستگی به آمریکا، مبارزه با کمونیسم و ترویج هنجارهای دموکراتیک و حقوق بشری است. ولی به نظر می‌رسد هند در پی ارتقای توان دیپلماتیک، افزایش پرستیژ بین‌المللی، افزایش نفوذ و وابستگی اقتصادی میان کشورهای در حال توسعه و در نهایت رقابت در عین همکاری با قدرت‌های منطقه همچون چین است. «کمیت‌های توسعه‌ای (Development Assistance Committee (DAC))» کمک‌های توسعه‌ای را اینگونه تعریف می‌کند: معامله امتیازی است که توسط دولت‌ها، دول محلی و آژانس‌های اجرایی با هدف گسترش توسعه اقتصادی و رفاه در دولت دریافت‌کننده (کشورهای در حال توسعه) کمک می‌شود. «بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ که اقتصاد جهانی سیر نزولی داشت کمک‌های هند در خارج از مرزها هر سال ۳۲ درصد افزایش یافت. سال ۲۰۱۴ بودجه این کمک‌های خارجی تا ۱,۳ میلیارد افزایش یافت. البته این صرفاً وام‌ها و قرض الحسنه‌ها است؛ اگر منابع انسانی و کمک‌های فناورانه را به این رقم اضافه کنیم از ۱,۳ به ۵,۳ میلیارد دلاد خواهیم رسید. کمک‌های توسعه‌ای هند برخلاف

سنت کمک‌های کشورهای توسعه یافته در قالب کمیته انجام نمی‌شود و اصول آن نیز با کشورهای توسعه یافته متفاوت است. هند در کمک‌های خود بر یگانگی دول در حال توسعه و منافع دو جانبه تأکید می‌کند نه بر وام‌های مبتنی بر هبه‌گر شمالی و دریافت کننده جنوبی. در ادبیات مقالات جدید از رویکرد هند به «نظریه هدیه (Gift Theory)» تعبیر می‌کنند و آن را همکاری جنوب-جنوب بر مبنای اصول زیر می‌دانند:

۱. هویت تقسیم شده کشورهای در حال توسعه؛
 ۲. تجربه و تخصص در توسعه؛
 ۳. رد هرگونه رابطه هبه‌گر- دریافت کننده که حال و هوای امپریالیستی دارد؛
 ۴. تأکید بر فرصت متقابل» (Mashru, 2015: 81-82).
- همکاری فناورانه از سال ۱۹۶۴ توسط هند در ورای مرزهای در پنج حوزه پیگیری کرده است:
۱. آموزش خدمتگزاران مدنی و کارمندان؛
 ۲. مشاوره دادن در پروژه‌های توسعه‌ای؛
 ۳. فرستادن متخصصان هندی به خارج؛
 ۴. میزبانی کردن تورهای مطالعاتی در هندوستان؛
 ۵. اهدای سخت‌افزار.

در سال ۲۰۱۲ حدود ۹ هزار نفر از ۱۶۱ کشور جهان در دوره‌های آموزشی دولت هند شرکت کردند. دیگر ابتکار هند برای ارتقای صادرات و تجارت استفاده از «خطوط اعتباری (Lines of Credit(LOCs))» است. مثلاً کمک یک میلیارد دلاری هند به بنگلادش در زمینه زیرساخت‌ها مشروط بر اینکه ۸۵ درصد محصولات و خدماتی که از طریق وام تهیه می‌شوند باید از هند خریداری شوند. این روندها زیر نظر وزارت مالیه و توسط بانک واردات و صادرات انجام می‌پذیرد (Mashru, 2015: 86-87). در پایان می‌توان اهداف اصلی این کمک‌های توسعه‌ای را در تأمین چهار راهبرد اصلی خلاصه کرد. اول از نظر سیاسی؛ دول دیگر به دلیل سابقه غیراستعماری هند و قربانی بودن این کشور در دوران استعمار به این کشور خوش‌بین هستند. هندوستان در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مشغول فعالیت است مخصوصاً در بخش مرزهای غربی و منطقه زیرصحرای آفریقا تا بتواند با نفوذ روزافزون چین مقابله کند و تعادلی ایجاد نماید. کمک‌های هند مخصوصاً در نواحی آفریقایی بر فناوری، ارتباطات و پزشکی متمرکز است. دوم از نظر تجاری؛ همان‌گونه که

در مورد وام هند به بنگلادش مشاهده کردیم دریافت‌کنندگان وام ملزم به خریداری ملزومات خود تا سقف بالایی از خود هندوستان هستند از این رو تولید داخل، تجارت و صادرات رونق می‌گیرد، سوم از نظر امنیتی؛ کمک‌های توسعه‌ای هند تمرکز زیادی بر مناطقی چون بوتان و نپال دارد کشورهایی که مرز هندوستان با چین را تشکیل می‌دهند از این رو ترجیح می‌دهد این کشورها اقتصادی وابسته به هند داشته باشند و آنان بدهکار هند باشند تا بدهکار چین. کشور مهم دیگر که رویکرد امنیتی هند به آن در اولویت قرار دارد افغانستان است. پس از شکل‌گیری حکومت‌های افراطی اسلام‌گرا مانند القاعده در منطقه افغانستان هند سعی می‌کند با نزدیکی به دولت افغانستان آرامش را مخصوصاً در همسایگی با پاکستان حفظ کند و از وخامت اوضاع در منطقه جامو و کشمیر بکاهد. چهارم از نظر قدرت نرم؛ کمک‌های توسعه‌ای هند به دول در حال توسعه در نگاه اول موقعیت برتر آن از نظر اقتصادی را القا می‌کند سپس توان دیپلماتیک آن را ارتقا می‌دهد. با توجه به جمع‌بندی انجام شده به نظر می‌رسد هندوستان از کمک‌های توسعه‌ای قصد پیشبرد راهبردهای سیاسی و اقتصادی خود را دارد و نباید این توهم ایجاد گردد که کمک‌های توسعه‌ای هند برای پیشبرد هنجارهای حقوق بشری کاربرد داشته است، چرا که هند در این مرحله خود را در جایگاه دخالت در امور داخلی دیگر دول منطقه نمی‌داند و ترجیح می‌دهد تا اهداف بلند مدت خود را تامین کند و از اقدامات حساسیت‌زا خودداری کند.

۳-۴- دیپلماسی حقوق بشری هند و «مسئولیت حمایت (R2P)»

اگرچه هند سابقه حمایت از شهروندان آفریقای جنوبی در دوران رژیم آپارتاید را در کارنامه دارد ولی با مفهوم مداخله بشردوستانه که به دلیل نقض حقوق بشر اجازه نقض حاکمیت را می‌دهد مشکل اساسی دارد. پس از جنگ سرد موضع هند در باب حاکمیت تغییری نکرد بلکه ناتو را به دلیل مداخله بشردوستانه غیرقانونی و غیرمشروع علیه «اسلوبودان میلسویچ (Slobodan Milosevic)» به دلیل پاکسازی قومی در کوزوو محکوم کرد. در دهه نود که دوران مداخله‌های بشردوستانه پیش از طرح مسئولیت حمایت است، هند موارد متعددی را مورد نقد قرار داد و در واقع معترض دایمی این نوع عملیات‌های دول غربی در قالب سازمان ملل شده بود. از جمله مداخله به رهبری آمریکا در هائیتی ۱۹۹۴ یا مداخله «جامعه اقتصادی دول غرب آفریقا (The Economic Community of West African States (ECOWAS))» در سیرالئون ۱۹۹۷. در سال ۲۰۰۵ نیز هند با بی‌میلی و در ساعات پایانی به جمع حامیان «مسئولیت حمایت» در نشست جهانی سال ۲۰۰۵

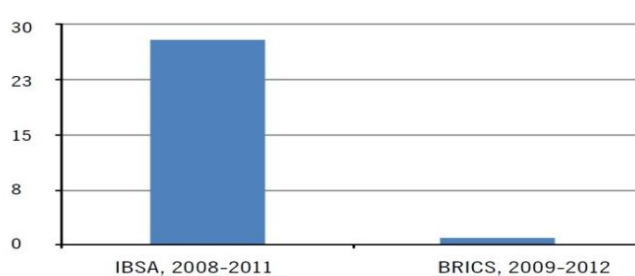
پیوست. حمایت هندوستان از طرح مسئولیت حمایت نه به دلیل موافقت هند بلکه به دلیل جلوگیری از منزوی شدن هند در رأی‌گیری انجام گرفت (Bellamy, 2009: 88). هند یکی از بزرگترین مشارکت‌کنندگان در عملیات‌های حفظ صلح ملل متحد است. پس از گذشت شش دهه حدود ۱۸۳ هزار پرسنل هندی به عنوان «کلاه آبی» (Blue Helmet) در ۴۴ ماموریت بین‌المللی شرکت کردند (Holt, Taylor and Kelly, 2009: 2-4). برای روشن شدن موضع هند پس از نشست جهانی سال ۲۰۰۵ به تحلیل مواضع هند در سه بحران سریلانکا، لیبی و سوریه خواهیم پرداخت. در بحران بشردوستانه سریلانکا در سال ۲۰۰۹، هند بیانیه‌ای صادر کرد که در آن از ادبیات مسئولیت حمایت استفاده کرده بود و به مسئولیت دولت سریلانکا برای حمایت از شهروندانش تأکید کرد و اگرچه موضع خود را علیه مداخله خارجی اعلام کرد (Virk, 2013: 80). در قضیه لیبی، به قطعنامه ۱۹۷۳ که تحریم، منطقه پرواز ممنوع و استفاده از زور توسط ناتو تجویز شده بود تا از غیرنظامیان حمایت کند، رأی ممتنع داد (www.un.org). هند به دو دلیل عدم پاسخگویی ناتو به دیگر نهادهای مسئول ملل متحد و هدف تغییر رژیم در لیبی به بهانه‌های بشردوستانه، مخالف اجرایی شدن بخش نظامی این قطعنامه بود (Virk, 2015: 104). موضع هند در سوریه به موضع این کشور در برابر لیبی شباهت دارد. در پی ایجاد بحران سوریه در شورای امنیت ملل متحد بین اعضای دایم اختلاف نظر پدید می‌آید. دول غربی معتقد به مداخله و تغییر حکومت بشارالاسد هستند در حالی که چین و روسیه موضعی متفاوت دارند. در سال ۲۰۱۱ هند، برزیل و آفریقای جنوبی (ایبسا) (IBSA (India, Brazil and South Africa)) پس از گرایش به موضع روسیه و چین در شورای امنیت ملل متحد با انتقادهای تندی از جانب سازمان‌های حقوق بشری مواجه شدند. پس از عدم هماهنگی سه کشور در قطعنامه ۱۹۷۳ لیبی که آفریقای جنوبی برخلاف هند و برزیل رأی مثبت داد، در قضیه سوریه هماهنگ‌تر عمل کردند و هیات مشترکی در آگوست همان سال به دمشق فرستادند؛ ولی واکنش هند به طرح بدیل برزیل در برابر مسئولیت حمایت به نام «مسئولیت حین حمایت» (Responsibility while Protecting (RwP)) در نوامبر ۲۰۱۱ چندان گرم نبود. ابتدا در سخنرانی عمومی طرح را از نظر شکلی پذیرفته شده دانست در حالی که تصمیم و برنامه اجرایی در آن وجود ندارد (Benner, 2013: 7). سخنی که بحث‌های زیادی ایجاد کرد ولی در سال ۲۰۱۲ نماینده هند در سازمان ملل متحد «هاردیپ سینگ پوری» (Hardeep Singh (Puri)) در سخنانی اظهار داشت «اگر مسئولیت حمایت قرار است به جامعه جهانی احترام بگذارد باید مقید به مسئولیت حین حمایت

باشد (URL14)». لازم به ذکر است موضع هند در قبال مسئولیت حمایت بسیار محتاطانه است، در واقع با دست پس می‌زند و با پا پیش می‌کشد به گونه‌ای که مخالفت او از حمایت او تأثیرگذارتر است. به نظر می‌رسد هند تلاش می‌کند مواضعش نه باعث رنجش جدی طرف اروپایی گردد و نه دوستان او در ایبسا و بریکس او را بایکوت کنند، ولی در بحث نقض حاکمیت ملی در قالب مسئولیت حمایت مخالفت و بحث جدی دارد.

۴-۴- دیپلماسی چندجانبه حقوق بشری جمهوری هند

گرایش به چندجانبه‌گرایی را ابتدا باید در نگاه سران هندوستان پس از استقلال جستجو کرد، افرادی چون گاندی، جواهر لعل نهرو و حتی تاگور. نهرو به عنوان اولین نخست وزیر هند در پی اقداماتی جهت راهبرد عدم تعهد بود تا از این طریق استقلال نوپای هندوستان را در دنیای قطبی شده حفظ نماید (Chamling, 1978: 116). چندجانبه‌گرایی در دورانی که هند تازه از یوغ استعمار رهایی یافته و روزهای بحرانی و ضعف را پشت سر می‌گذاشت عاقلانه‌ترین راه به نظر می‌رسید به طوری که مدتی بعد هند به نماینده کشورهای درحال توسعه و توسعه نیافته در مجمع عمومی و شورای امنیت ملل متحد بدل شد. در این شرایط دولتمردان هند دو تصمیم اتخاذ کردند که هند را در مرکز توجه و انتقادات بین‌المللی قرار داد یکی مداخله در پاکستان سال ۱۹۷۱ و دیگر آزمایش اتمی در سال ۱۹۷۴. پس از جنگ سرد دولتمردان هندی توسعه اقتصادی و بسط روابط با دولت‌های قدرتمند را سرلوحه قرار دادند. آن‌ها معتقد بودند با افزایش وابستگی تجاری و ارتقای جایگاه اقتصادی خود در نظام بین‌الملل جایگاهی متمایز پیدا خواهند کرد. هندوستان در سال‌های اخیر برخلاف دوران پیش از جنگ سرد که خود را پیشرو کشورهای درحال توسعه و توسعه‌نیافته می‌دانست، خودمحمور شده است. از دیپلماسی چندجانبه در راستای امتیازگیری‌های شخصی و تعامل با قدرت‌هایی چون آمریکا بهره برداری می‌کند، شاید بارزترین آن سال ۲۰۰۸ موافقت‌نامه «همکاری غیرنظامی هسته‌ای» بود که از طریق آن توان اتمی خود را به طور عملی به تأیید آمریکا رساند و در حالی که عضو «عهدنامه منع اشاعه» نبود ولی به بازارهای هسته‌ای جهانی راه پیدا کرد. حضور هند در شورای حقوق بشر نیز عملگرا است و منافع ملی را دنبال می‌کند نه حقوق بشر را، البته این منافع ملی شامل سنت‌های هندو که مورد توجه احزاب راست است نیز می‌شود، برای مثال در سال ۲۰۰۹ در قضیه سریلانکا در شورای حقوق بشر هندوستان به طرح علیه این کشور، زیر فشار سیاسی تامیل‌های هند ابتدا رای منفی داد تا از متشنج‌تر شدن اوضاع داخلی جلوگیری

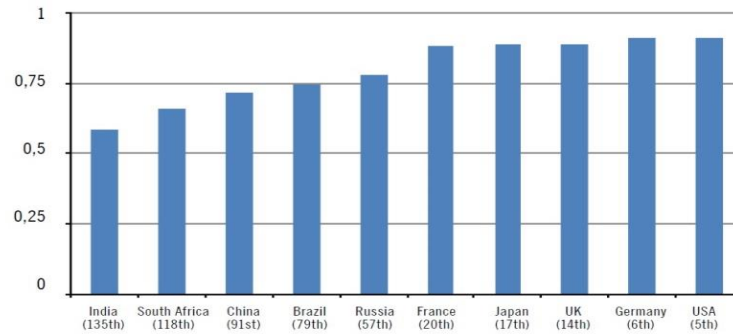
کند (Kumar, 2014). در شورای امنیت هم وضع به همین منوال است. نگاه هند در شورای امنیت نیز از یک طرف هنجاری است و شورای امنیت را در دو گروه دسته‌بندی می‌کند. گروه اول که غربی‌ها هستند و حاکمیت را مشروط دانسته و در صورت نقض فاحش حقوق بشر آن را قابل خدشه می‌دانند درحالی که دسته دوم به رهبری چین و روسیه حاکمیت را در برابر حقوق بشر ارزشی مطلق حساب می‌کنند (Mukherjee, 2015: 51). هند خود را به گروه دوم نزدیک می‌داند، این کشور اصولاً با تسری هنجارهای حقوق بشری به حاکمیت مخالف است، موضعی پایدار که از زمان محکمه‌های کیفری بین‌الملل برای یوگسلاوی سابق و رواندا اتخاذ کرد و امروزه همان موضع را در برابر دادگاه بین‌المللی کیفری دارد. در حوزه دیپلماسی چندجانبه به نظر می‌رسد هند از رویکردی جهان سوم مدار به رویکردی پراگماتیک و عملگرا در عرصه بین‌المللی نزدیک شده است. البته هند برخلاف کشوری چون آفریقای جنوبی و برزیل داعیه رهبری منطقه خود در حوزه حقوق بشر را ندارد و حقوق بشر در سیاست خارجی هند از اولویتی نه چندان بالا برخوردار است و پس از دغدغه‌های اقتصادی، امنیت ملی و ایدئولوژی هندویسم در مراتب بعدی اهمیت قرار می‌گیرد (هندوستان به جای حقوق بشر بر دموکراسی و جامعه چندملیتی و چند فرهنگی خود تأکید می‌کند). هند عضو گروه بریکس و ایسا نیز هست. کشورهای عضو ایسا بر اهمیت دموکراسی و حقوق بشر تأکید بسیار دارند هرچند که با نگاه جهانشمول‌گرای غرب نیز موافق نیستند.



تصویر ۱: تفاوت تکرار لفظ حقوق بشر در اعلامیه‌های بریکس و ایسا (بین سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۲ تنها یک اعلامیه

بریکس بر حقوق بشر تأکید کرده است که در مورد سوریه است)

Source: (Stephan, Matthew D., 2015)



تصویر ۲: مقایسه وضعیت شاخص‌های حقوق بشری قدرت‌های نوظهور و قدرت‌های مستقر بر اساس برنامه توسعه ملل متحد سال ۲۰۱۴ با معیار صفر و یک. (شاخص‌های اصلی بررسی شده عبارت هستند از حقوق اقتصادی اجتماعی، سلامت، امید به زندگی، تحصیل و معیارهای مناسب زندگی)

Source: (Stephan, Matthew D., 2015)



تصویر ۳: جمع بندی

۵- نتیجه

هند از کشورهای بزرگ آسیایی و دومین کشور پرجمعیت جهان است. این کشور خود را بزرگ‌ترین دموکراسی جهان می‌داند. در این نوشتار به بررسی دیپلماسی حقوق بشری هند و تاثیر آن بر سیاست خارجی این کشور در قالب دیپلماسی چندسطحی پرداختیم. هندوستان از قدرت‌های نوظهوری است که دیپلماسی حقوق بشری نسبتاً موفقی را به اجرا گذاشته است، و تعادل بین منافع قدرت‌های نوظهور و غربی را حفظ کرده و منافع خود را پیش می‌برد (در حالی که رویکرد او به حقوق بشر با نگاه دول در حال توسعه نزدیک است تا دول غربی). موفقیت این دیپلماسی در گرو هماهنگی سه سطح تحلیل است، هرچه این سه سطح (ملی، منطقه و بین‌المللی) موید هم و در یک راستا باشند دیپلماسی حقوق بشری کنش‌مند، فعال و منظم‌تر خواهد بود. اولین سندی که دیپلماسی حقوق بشری هند بر آن ابنا دارد قانون اساسی این کشور است، قانون اساسی قوانین و قواعد سرزمینی اولین سنگ‌بنای دیپلماسی است، چراکه به واسطه آن اسناد و قواعد است که اهداف، ظرفیت‌ها، بازیگران ملی، توزیع قدرت ملی و اهرم‌های فشار، روش‌ها و راهبردها نمایان می‌شوند. قانون اساسی با آگاهی به سنت‌های کهن و تبعیض‌های دامنه‌دار، آرمان‌های حقوق بشری را با دقت در قانون اساسی ذکر کرده است. مهم‌ترین این اقدامات الغای لمس‌ناپذیری و عناوین موروثی و واهی بود، ولی نبود سازوکارهای تعریف‌شده در قانون اساسی جهت پیگیری، نظارت و اجرای حقوق بشر ذکر شده در قانون اساسی در عمل مشکل‌هایی ایجاد کرده است. در سطح منطقه‌ای اولویت‌های امنیتی و اقتصادی بر ترویج هنجارهای حقوق بشری و دموکراسی سایه افکنده است (این رویکرد علاوه بر منطقه و در قبال چین و پاکستان در سطح فرامنطقه و در قبال رژیم صهیونیستی هم صادق است و مواضع هند بین محکوم کردن نقض حقوق بشر و نادیده گرفتن و گاهی حمایت در نوسان است و دلیل آن همان اولویت اقتصاد و منافع سیاسی بر مسایل حقوق بشری است). هند اول در پی افزایش تبادلات تجاری با کشورهای همسایه است، دوم به دنبال ایجاد توازن قوا با چین در منطقه است، سوم به دنبال حل و فصل اختلافات و پیشگیری از بروز مشکل‌های امنیتی در منطقه است و چهارم کشورهای کوچک مانند نپال را به اقتصاد خود وابسته می‌کند تا هم قدرت و هم نفوذ منطقه‌ای خود را چه نرم و چه سخت ارتقا دهد. در سطح بین‌المللی هند از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار بیشتر از حقوق مدنی و سیاسی حمایت می‌کند، خصیصه‌ای که در اکثر کشورهای در حال توسعه قابل مشاهده است. هند به دو دلیل یکی امنیت داخلی و شرایط خاص

درونی و دوم سابقه تاریخی خود در سیاست خارجی و دغدغه‌های خاصش این رویکرد را در عرصه دیپلماسی به نحوی برجسته دنبال می‌کند. در این سطح هند روابط خود را با اروپا در حوزه اقتصادی افزایش می‌دهد ولی نگاه آن به سازوکارهای ملل متحد و طرح‌هایی چون مسئولیت حمایت با شک (حمایتی مشروط) همراه است. هند با یک عدم تقارن وضعیت سیاسی داخل و فضای بین‌الملل مواجه است که حفظ توازن بین آن دو دستگاه دیپلماسی کشور را با مشکل رو به رو کرده است. برخی اسناد بین‌المللی که غرب از هندوستان انتظار اجرای آن‌ها را دارد با سنت‌های ریشه‌دار هندو در تضاد است که تلاش برای اجرای آن‌ها هزینه‌های داخلی سنگینی برای دولت حاکم دارد و اگر دولت تصمیم به ترویج حقوق بشر و احقاق آن حقوق داشته باشد با مقاومت‌ها در سطح داخلی مواجه می‌شود. نمونه بارز این تلاش‌ها احقاق حق دالیت‌ها و حقوق زنان مخصوصاً الغای سنت عروس‌سوزی بود که با مقاومت‌های محلی مواجه گردید، در نتیجه قوانین در اجرا با مشکل مواجه شدند و نتایج رضایت‌بخشی پدید نیامد. با توجه به این محدودیت‌ها هند به دنبال یک توازن ساختاری بین سازمان‌های غربی و شرقی است. هند سعی دارد هم در نهادهای مختلف سازمان ملل متحد عضو شود حتی با حمایت دول در حال توسعه کرسی دایم شورای امنیت را نیز به دست آورد و از طرف دیگر در نهادهای منطقه‌ای چون سارک و نهادهای امنیتی چون سازمان همکاری شانگهای عضو می‌شود، علاوه بر عضویت در سازمان تجارت جهانی و گروه ۲۰ در نهادی چون بریکس که نهاد اقتصادی با گفتمانی ضد غربی هست نیز عضویت دارد. در کل به نظر می‌رسد رویکرد پراگماتیک و منفعت‌محور هند با اصالت دادن به رشد اقتصادی و دغدغه‌های امنیتی، هنجارهای حقوق بشری را در اولویت‌های پایین‌تر قرار داده است و بیشتر برای کسب پرستیژ، افزایش قدرت نرم و کسب منافع اقتصادی و امنیتی از آن بهره برداری می‌کند.

منابع

1. Banerjee, Sanjoy, "Human rights diplomacy and performance of a rising India since 2000", *Shifting Power and Human Rights Diplomacy India*, edited by Lettinga, Doutje and VanTroost, Lars, pp. 27-34 Amnesty International Netherland, 2015.
2. Baru, Sanjaya, **India and the World** – Economics and Politics of the Manmohan Singh Doctrine in Foreign Policy, Institution of South Asian Studies (ISAS), No. 53, 14 November 2008.
3. Bellamy, A.J., "**Responsibility to protect: the global effort to end mass atrocities**", Cambridge: Polity Press 2009.

4. Benner, T. **‘Brazil as a norm entrepreneur: the “responsibility while protecting” initiative’** Global Public Policy Institute (GPPi) working paper, Available at: http://www.gppi.net/fileadmin/user_upload/media/pub/2013/Benner_2013_Working-Paper_Brazil-RWP.pdf. 22 June 2017, 2013.
5. Berridge, G.R., **“Diplomacy Theory and Practice”**, Palgrave Macmillan, UK, 2015.
6. Britsch, Florian , **“Indian Views of Europe’s Role as Security Actor Why the EU Needs to Change its Approach Towards India”**, Friedrich Ebert Stiftung. Available at: <http://library.fes.de/pdf-files/iez/10717.pdf>. 20 June 2017, 2014.
7. Chamling, D., **India and the United Nations**, , 1978, New Delhi: Associated Publishing House. Constitution of India, Available at: <http://indiacode.nic.in/coiweb/welcome.html>. 20 June 2017.
8. Deuja, Surya: **“Establishing a Robust Regional Human Rights Mechanism in South Asia”**, Vol. 6 NO. 1, Asian Human Rights Defender Geneva, ,2010.
9. Cooper, William H., **“The Jackson-Vanik Amendment and Candidate Countries for WTO Accession: Issues for Congress”**, Congressional Research Service. Available at: <https://fas.org/sgp/crs/row/RS22398.pdf>. 12 August 2017, 2012.
10. Ganguly, Meenakshi, **“India can no longer remain a bystander on foreign policy”**, Shifting Power and Human Rights Diplomacy India, edited by Lettinga, Doutje and VanTroost, Lars, pp. 43-47 Amnesty Intentional Netherland, 2015.
11. Jaishankar, D., **‘Europe in Indian Strategy’** in: V. Krishnappa & P. George (eds, Grand Strategy for India 2020 and Beyond, pp. 242-252, New Delhi: Pentagon Press), 2012.
12. Kovacs, Anja and Datta, Saikat, **“Digital India abroad: India’s foreign policy and digital rights”**, Shifting Power and Human Rights Diplomacy India, edited by Lettinga, Doutje and VanTroost, Lars, pp. 91-100 Amnesty Intentional Netherland, 2015.
13. Kumar, P., **‘Why India abstained from voting against Sri Lanka in UNHRC’**, FirstPost, 27 March. Available at: <http://www.firstpost.com/world/understanding-why-india-abstained-from-voting-against-sri-lanka-in-unhrc-1453803.html>. 30 June 2017, 2014.

14. Kumar, Chanchal: “**Human Trafficking in the South Asian Region: SAARC’s Response and Initiatives**”, Journal of Social Sciences and Humanities, Vol. 1, No. 1, pp. 14-31, ,2015.
15. Mashru, Ram, “**Developmental diplomacy: India’s international aid policy**”, Shifting Power and Human Rights Diplomacy India, edited by Lettinga, Doutje and VanTroost, Lars, pp. 81-91, Amnesty Intentional Netherland, , 2015.
16. Mohan, C. Raja, “**India’s changing geopolitics and the New Humanitarianism**”, Shifting Power and Human Rights Diplomacy India, edited by Lettinga, Doutje and VanTroost, Lars, pp. 19-27, Amnesty Intentional Netherland, 2015.
17. Mukherjee, Rohan, “**Indian multilateralism and the global human rights order**”, Shifting Power and Human Rights Diplomacy India, edited by Lettinga, Doutje and VanTroost, Lars, pp. 47-54, Amnesty Intentional Netherland, 2015.
18. Mullerson, Rein, “**Human Rights Diplomacy**”, Routledge, Newyork, USA, 2014.
19. Naidu, G.V.C., “**India and China in the Emerging Dynamics of East Asia**”, Edited by: Naidu, G.V.C. , Chen, Mumin and Narayanan, Raviprasad, Springer, New York, 2015.
20. Nagaraj, Vijay, “**Foreign policy, human rights and civil society in a Modi-fied India**”, Shifting Power and Human Rights Diplomacy India, edited by Lettinga, Doutje and VanTroost, Lars, pp. 73-80, Amnesty Intentional Netherland, , 2015.
21. Pai, Nitin and Singh, Sushant K. (): “**Promoting Human Rights in the Indo-Pacific: Prospects, Drives and Constraints**”, Shifting Power and Human Rights Diplomacy India, edited by Lettinga, Doutje and VanTroost, Lars, pp. 35-42, Amnesty Intentional Netherland, 2015.
22. Sachdeva, Gulshan (): “**India and the European Union: Human Rights Challenges**”, Shifting Power and Human Rights Diplomacy India, edited by Lettinga, Doutje and VanTroost, Lars, pp. 65-72, Amnesty Intentional Netherland, 2015.
23. Stephen, Matthew D., “**India, emerging powers and global human rights: Yes, but...**”, Shifting Power and Human Rights Diplomacy India, edited by Lettinga, Doutje and VanTroost, Lars, pp. 55-63, Amnesty Intentional Netherland, 2015.

24. Taneja, Nisha , Pohit, Sanjib and Saini, Radhika, “**India-Pakistan Trade Strengthening Economic Relations**”, Springer New Delhi Heidelberg New York Dordrecht London, 2015.
25. Tharoor, S. (2012) ‘**Reconsider Relations with the European Union**’, India Today/Mail Today, 18 May. Available at: <http://goo.gl/WCzZyW>. 20 June 2017.
26. Virk, K. () ‘**India and the responsibility to protect: a tale of ambiguity**’, pp. 56-83, Global Responsibility to Protect 5(1), 2013.
27. Virk, Kudrat (): “**Whither the Responsibility to Lead?**” **India and R2P**”, Shifting Power and Human Rights Diplomacy India, edited by Lettinga, Doutje and VanTroost, Lars, pp. 101-110, Amnesty Intentional Netherland, 2015.
28. URL1: www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2017/01/weodata/weorept.aspx?pr.x=31&pr.y=13&sy=2016&ey=2020&scsm=1&ssd=1&sort=country&ds=.&br=1&c=534&s=NGDPD%2CNGDPDPC%2CPPPGDP%2CPPPPC&grp=0&a=. 28 June 2017.
29. URL2: www.indiacode.nic.in/coiweb/welcome.html. 20 July 2017.
30. URL3: www.washingtonpost.com/world/are-indias-disgruntled-wives-abusing-dowry-laws-hurting-womens-movement/2014/07/29/ef17b159-e0f3-4ba2-9f23-e37d48d0ac47_story.html. 28 June 2017.
31. URL4: www.cfnhri.org/members/asia/india. 15 August 2017.
32. URL5: www.ncw.nic.in/frnAboutUS.aspx. 15 August 2017.
33. URL6: www.ncpcr.gov.in/index1.php?lang=1&level=1&&sublinkid=5&lid=600. 15 August 2017.
34. URL7: www.ncm.nic.in/Genesis_of_NCM.html. 16 August 2017.
35. URL8: www.ncbc.nic.in/User_Panel/UserView.aspx?TypeID=1025. 16 August 2017.
36. URL9: www.ncsc.nic.in/pages/display/9-genesis. 16 August 2017.
37. URL10: www.ncsc.nic.in/. 16 August 2017.
38. URL11: www.ncst.nic.in/content/functions-and-duties-commissions/. 16 August 2017.
39. URL12: www.jus.uio.no/english/services/library/treaties/02/2-04/saarc-traffic-women-children.xml. 18 August 2017.
40. URL13: www.goo.gl/WCzZyW. 20 June 2017.
41. URL14: [www.responsibilitytoprotect.org/India\(1\).pdf](http://www.responsibilitytoprotect.org/India(1).pdf). 23 June 2017.